



الدَّرْسُ السَّابِعُ



أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُكَ، وَفِي الْأَرْضِ
 قُدْرَتُكَ، وَفِي الْبِحَارِ عَجَائِبُكَ. أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
 تو کسی هستی که بزرگی ات در آسمان و توانمندی ات در زمین و
 شگفتی های ت در دریاهاست.

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ
ای کسی که شگفتی هایش در دریاهاست از دعای جوشن کبیر

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلَمَّا رَائِعاً عَنِ الدُّلْفَيْنِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَاناً مِنَ الْغَرَقِ، وَ
اعضای خانواده فیلم جالبی از دلفینی که آنسانی را از غرق شدن نجات داد و او را به ساحل رساند را مشاهده می کنند
أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

حامد: لَا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِداً.
حامد: باور نمی کنم این امر عجیبی است. خیلی مرا شگفت زده می کند

الأب: يَا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيباً، لِأَنَّ الدُّلْفَيْنِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.
پدر: ای پسر، عجیب نیست، زیرا دلفین دوست انسان در دریاهاست

صَادِقٌ: تَصَدِّقُهُ صَعْبٌ! يَا أَبِي، عَرَفْنَا عَلَيَّ هَذَا الصَّدِيقِ.
صادق: باورش سخت است ای پدرم، این دوست را به ما معرفی کن

الأب: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ وَزْنُهُ
پدر: حافظه ای قوی دارد، و شنوایی اش ده برابر از شنوایی انسان بالاتر است و وزنش

يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزْنَ الْإِنْسَانِ تَقْرِيباً، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبَوْتَةِ الَّتِي
تقریباً به دو برابر وزن انسان می رسد، و او از حیوانات پستانداری است که به بچه هایش شیر می دهد

تَرْضَعُ صِغَارَهَا.

نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِّيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟
نورا: بی گمان او حیوان باهوشی است که کمک کردن به انسان را دوست دارد. آیا این طور نیست

الأب: بَلَى؛ بِالتَّأَكِيدِ، تَسْتَطِيعُ الدَّلَّافِينُ أَنْ تُرَشِّدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ
پدر: بله؛ البته، دلفین می تواند که ما را به مکان سقوط یک هواپیما یا مکان غرق شدن یک کشتی راهنمایی کند

أَوْ مَكَانِ غَرَقِ سَفِينَةٍ.

الأم: تُؤَدِّي الدَّلَّافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ
مادر: دلفین ها نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می کنند و آنچه از شگفتی ها و رازهای

الماءِ مِنْ عَجَائِبِ وَ أَسْرَارِ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اكْتِشَافِ أَمَاكِنِ
زیر آب وجود دارد را کشف می کنند و به انسان در کشف کردن جاهای جمع شدن ماهی ها کمک میکنند
تَجْمَعِ الْأَسْمَاكِ.



صادق: رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعَا؟
دلفین هایی را دیدم که حرکت های گروهی ایفا می کردند؛ پس آیا باهم سخن می گفتند؟

الأم: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوَعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّ الدَّلَافِينَ
مادر: بله؛ در یک دانشنامه علمی خواندم که دانشمندان تأکید می کنند که دلفین ها

تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَ أَنَّهَا تُغْنِي كَالطَّيُورِ،
می توانند که با به کار بردن صداهای معینی سخن بگویند، و مانند پرندهگان آواز بخوانند
وَ تَبْكِي كَالْأَطْفَالِ، وَ تَضْفِرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.
و مانند کودکان گریه کنند، و مانند انسان سوت بزنند و بخندند

نورا: هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ؟

نورا: آيا دلفين ها دشمنانی دارند

الأب: بِالتَّأَكِيدِ، تَحْسَبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ الْقَرْشِ عَدُوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظْرُهَا
پدر: البته، دلفین کوسه ماهی را دشمنی برای خود به حساب می آورد، پس اگر

عَلَى سَمَكَةِ الْقَرْشِ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأَنْوْفِهَا
نگاهشان به کوسه ماهی بیفتد، به سرعت دورش جمع می شوند، و او را با بینی های تیزشان می زنند
الْحَادَّةَ وَ تَقْتُلُهَا.
و او را میکشند

نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدَّلَفِينَ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟

نورا: و آیا دلفین واقعا انسان را دوست دارد؟

الأم: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرْنِتِ: ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا
پدر: بله؛ ما تا این خبر را در اینترنت بخوانیم... جریان آب مردی را با شدت به

إِلَى الْأَعْمَاقِ بَشْدَةً، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَخْتَةً
اعماق کشید، و بعد از نجاتش مرد گفت: ناگهان چیزی مرا با قدرت به بالا برد
إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ، ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ
سپس مرا به ساحل برد و هنگامی که تصمیم گرفتم که از نجات دهنده ام سپاسگزاری کنم
مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ دَلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي
کسی را نیافتم، ولی من دلفین بزرگی را در آب در نزدیکی ام دیدم که با شادی می پرید
الْمَاءِ بِفَرَحٍ.

الأم: إِنَّ الْبَحْرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ

مادر: قطعاً دریا و ماهی ها نعمت بزرگی از سوی خداوند هستند

مِنَ اللَّهِ.

قال رسول الله ﷺ: پیامبر خدا فرموده است

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٌ: نگاه کردن به سه چیز عبادت است

النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ، نگاه کردن به قرآن

وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ، و نگاه کردن به چهره ی پدر و مادر

وَ النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ. و نگاه کردن به دریا

برابر «ضِعْفَيْنِ: دو برابر»	ضعف	جمع شد	تَجَمَّعَ	ایفا کرد، منجر شد	أَدَّى
پزندگان «مفرد: طَبِير»	طَبِير	جریان	تَبَّار	راهنمایی کرد	أَرشَدَ
معرفی کرد	عَرَفَ	گروهی	جَمَاعِي	شیر داد	أَرْضَعَ
تصمیم گرفت	عَزَمَ	تیز	حَادَ	بالا، بالاتر	أَعْلَى
آواز خواند	عَنَى	دلفین‌ها	دَلَّافِين	انفاق کرد	أَنْفَقَ
پرید، جهش کرد	قَفَرَ	نقش	دَوَّرَ	بینی‌ها «مفرد: أَنْف»	أَنْوَفَ
پستاندار	لَبُونَة	حافظه	ذَاكِرَة	رسانید	أَوْصَلَ
همین‌طور	كَذَلِكَ	جالب	رَائِع	دریابا «مفرد: بَحْر»	بِحَارِ
نجات‌دهنده	مُنْقِذ	کوسه ماهی	سَمَكُ الْقُرْشِ	گریه کرد	بَكَى
دانشنامه	مَوْسُوعَة	ساحل «جمع: شَوَاطِئ»	شَاطِئُ	رسید	بَلَغَ
		سوت زد	صَفَرَ	آری	بَلَى

صحيح و خطا را بر حسب متن معين كن
عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



- ۱- الدُّلْفَيْنُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضَعُ صِغَارَهَا. ✓
- ۲- يُوَدِّي سَمَكُ الْقُرْشِ دَوْرًا مَهْمًا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ. ✗
- کوسه ماهی نقش مهمی در جنگ و صلح ایفا می‌کند ✗
- ۳- سَمِعَ الْإِنْسَانُ يَفُوقَ سَمْعَ الدُّلْفَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ. ✗
- شنوایی انسان ده برابر از شنوایی دلفین بالاتر است ✗
- ۴- سَمَكُ الْقُرْشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ. ✗
- کوسه ماهی دوست انسان در دریاهاست ✓
- ۵- سَمَكُ الْقُرْشِ عَدُوُّ الدُّلْفَيْنِ. ✓
- کوسه ماهی دشمن دلفین هاست ✓
- ۶- لِلدُّلْفَيْنِ أَنْوَفٌ حَادَّةٌ. ✓
- دلفین‌ها بینی‌های تیزی دارند

إِعْلَمُوا

الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ

در زبان فارسی به حروفی مانند «به، برای، بر، در، از» حروف اضافه و در عربی حروف جر می‌گویند.

به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، لِ ، عَنْ ، كَ » در دستور زبان عربی «حروف جر» می‌گویند. این حروف به همراه کلمه بعد از خودشان معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند. مثال: مِنْ قَرِيْبَةٍ ، فِي الْغَابَةِ ، إِلَى الْمُسْلِمِيْنَ ، عَلَى الْوَالِدِيْنَ ، بِالْحَافِلَةِ ، لِلَّهِ ، عَنْ نَفْسِهِ ، كَجَبَلٍ

به حرف جر، جَارٌ و به اسم بعد از آن مجرور و به هر دو اینها «جار و مجرور» می‌گویند.

أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ

از

مِنْ

﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تَحِبُّونَ﴾ آل عمران: ۹۲

تا انفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)

﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الإنسان: ۲۱

دست‌بندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ: از اینجا تا آنجا

در

فِي

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا﴾ الْبَقَرَة: ۲۹

او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

الْتَّجَاهُ فِي الصِّدْقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رهایی در راستگویی است.

إِلَى (إِلَى) به ، به سوی ، تا

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ الإسراء: ١
پاک است کسی که بنده اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.
﴿قَالَ كَمْ لَبِثْتُمْ ۚ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُمْ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظِرُوا إِلَىٰ طَعَامِكُمْ
وَ شَرَابِكُمْ﴾ الْبَقَرَة: ۲۵۹

گفت: «چقدر درنگ کردی؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز.» گفت: «نه، بلکه صد سال درنگ کردی؛ به خوراکت و نوشیدنی ات بنگر.»
كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَرْعَةِ مِنَ الصَّاحِ إِلَى اللَّيْلِ. کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می کرد.

عَلَى (عَلَى) بر ، روی ، به زیان

النَّاسُ عَلَىٰ دِينِ مُلُوكِهِمْ. رسول الله ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.
عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا. رسول الله ﷺ
به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید؛ زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است.
الذَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام
روزگار دو روز است؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.
الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. کیف روی میز است.

بِـ به وسیله ، در

﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ الْعَلَق: ۳ و ۴
بخوان و پروردگارت گرامی ترین است؛ همان که به وسیله قلم یاد داد.
﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ آل عمران: ۱۲۳ و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.

۱- كَمْ لَبِثْتُمْ؟ چقدر درنگ کرده ای؟ منظور این است که «چه مدتی در اینجا به سر برده ای؟».

۲- «عَلَيْكُمْ» اصطلاحی است که از معنای «جار و مجرور» خارج شده و معنای فعل یافته است.

لِـ برای ، از آن (مال) ، داشتن

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ النساء: ۱۷۱

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آن اوست.

﴿لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ﴾. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ الكافرون: ۶

دین شما از آن خودتان و دین من از آن خودم.

لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ - لَأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي. برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.

عَنْ از ، درباره

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ ...﴾ الشورى: ۲۵

او کسی است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از بدی‌ها درمی‌گذرد ...

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ...﴾ البقرة: ۱۸۶

و اگر بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.

كَ مَانِدٍ

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَىٰ غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَىٰ أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برتری دانشمند بر غیر خود مانند برتری پیامبر بر امت خودش است.

خودت را آزمایش کن: نقش کلمات رنگی را معین کن

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيْنِ الْمَحَلِّ الْإِعْرَابِيِّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُؤَوَّنَةِ.

مفعول

مبتدا

خبر

۱- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. أمير المؤمنين علي عليه السلام
علم بهتر از مال است. علم از تو محافظت می‌کند و تو از مال محافظت می‌کنی

۲- ﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ...﴾ العنكبوت: ۲۰ بگو در زمین حرکت کنید
جار و مجرور

نونُ الوِقَايَةِ

در متن درس، کلمات «يُحَيِّرُنِي» و «أَخَذَنِي» را مشاهده کردید. وقتی که فعلی به ضمیر «ي» متصل می‌شود، نون وقایه بین فعل و ضمیر واقع می‌شود.

مثال: يَعْرِفُنِي: مرا می‌شناسد. إِزْفَعُنِي: مرا بالا ببرد.
أَخَذَنِي: مرا بُرد. يُحَيِّرُنِي: مرا حیران می‌کند.

خودت را آزمایش کن: این جمله ها را ترجمه کن

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهيم : ٤٠

پروردگارا مرا برپا دارنده ی نماز قرار بده

۲- اللَّهُمَّ انْفَعْنِي بِمَا عَلَّمْتَنِي، وَعَلِّمْنِي مَا يَنْفَعُنِي. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

خدایا مرا به آنچه که به من یاد دادی سودمند ساز و آنچه که به من سود می‌رساند را به من یاد بده

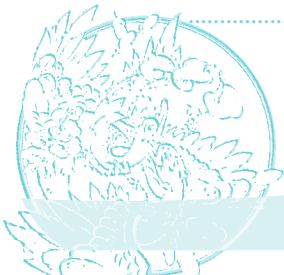
۳- إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

قطعاً خداوند مرا به مهربانی کردن با مردم امر کرد همانطور که مرا به برپا داشتن واجبات امر کرد

۴- اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي شُكُورًا، وَاجْعَلْنِي صَبُورًا، وَاجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيرًا وَفِي

أَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيرًا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

پروردگارا مرا بسیار شکر گزار و بسیار صبور و در چشم خودم کوچک و در چشمان مردم بزرگ قرار بده



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار گفتگو

(مَعَ مُشْرِفٍ^۱ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ) با مدیر داخلی هتل

مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ مَسْؤُولٌ بِذِيرِش

السَّائِحُ گِردشگر

السَّيِّدُ دِمَشْقِيُّ مُشْرِفٍ خَدَمَاتِ عُرْفِ الْفُنْدُقِ.
مَا هِيَ الْمُسْكَلَةُ؟

عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ تَنْظِيفِ الْعُرْفِ^۲
وَ الْحِفَاطِ عَلَيْهَا؟

آقای دمشقی مدیر داخلی اتاق های هتل است. مشکل چیست؟

ببخشید مسئول نظافت اتاق ها و نگهداری از آنها کیست؟

أَعْتَدُرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً، اسْتَرْحُ؛ سَأَتَّصِلُ^۳ بِالْمُشْرِفِ.

لَيْسَتْ الْعُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.

از تو پوزش می‌خواهم لطفاً استراحت کن؛ با مدیر داخلی تماس خواهم گرفت

اتاق ها تمیز نیستند و در آنها کمبود هایی است

مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفُ مَعَ مِهْنَدِسِ الصِّيَانَةِ^۴.
مَسْؤُولٌ بِذِيرِش بِأَمِيرِ دَاخِلِي تَمَاسَ مِي كِيرِد وَمَذِيرِ دَاخِلِي بِأَمِهْنَدِسِ تَعْمِيرَاتِ مِي أِيد.

السَّائِحُ

مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ

گردشگر

مدیر خدمات فندق

لَيْسَتْ عُرْفَتِي وَ عُرْفُ زُمَلَائِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصٌ.

اتاق من و اتاق های همکارانم تمیز نیستند و در آنها کمبود هایی است

مَا هِيَ الْمُسْكَلَةُ، يَا حَبِيبِي؟!

مشکل چیست ای دوست من

فِي الْعُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ مَكْسُورٌ،
وَ فِي الْعُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشْفٌ^۶ نَاقِصٌ،
وَ فِي الْعُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَيَّفُ لَا يَعْمَلُ.

در اتاق اول تختی شکسته شده است و در اتاق دوم ملافه کم است و در اتاق

سوم کولر کار نمی‌کند

سَيَّاتِي عُمَالُ التَّنْظِيفِ،
وَ مَا الْمُسْكَلَاتُ الْأُخْرَى؟

کارگران نظافت خواهند آمد و مشکلات دیگر چیست؟

تَعْتَدِرُ مِنْكُمْ.

سَنُصَلِّحُ^۷ كَلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَيَّ عَيْنِي.

از شما پوزش می‌خواهیم

هر چیزی را به سرعت تعمیر خواهیم کرد؛ به روی چشمم

تَسَلَّمَ عَيْنُكَ!^۸

چشمت به سلامت باد



۱- مُشْرِفٌ: مدیر داخلی ۲- تَنْظِيفٌ: پاکیزگی ۳- اتَّصِلُ: تماس می‌گیرم ۴- صِيَانَةٌ: تعمیرات ۵- سَرِيرٌ: تخت

۶- شَرَشْفٌ: ملافه ۷- نُصَلِّحُ: تعمیر می‌کنیم ۸- تَسَلَّمَ عَيْنُكَ: چشمت سالم باشد

تَمَارِينِ

تمرین اول: جمله ی صحیح و غیر صحیح را بر حسب حقیقت و واقعیت معین کن




التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ.

۱- عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرُقُ كُلَّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ. 


وقتی که جریان برق در شب قطع می شود، هر جایی غرق در تاریکی می شود

۲- الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ يَعِيشُ فَوْقَ جِبَالِ ثَلْجِيَّةٍ. 

طاووس از پرندگان آبی است که بالای کوه های برفی زندگی می کند

۳- الْمَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جَدًّا يَجْمَعُ قَلِيلًا مِنَ الْعُلُومِ. 

دانشنامه واژه نامه ی خیلی کوچکی است که کمی از علوم را جمع می کند

۴- الشَّاطِئُ مِنْطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوَارِ الْبَحَارِ وَالْمُحِيطَاتِ. 

ساحل منطقه ی خشکی در کنار دریاها و اقیانوس هاست

۵- الْأَنْفُ عَضْوُ التَّنَفُّسِ وَالسَّيِّمِ. 

بینی عضو تنفس و بویایی است

۶- الْأَخْفَاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ. 

خفاش پرنده ای از پستانداران است

تمرین دوم: در جای خالی کلمه ی مناسبی از کلمات پیش رو را قرار بده «دو کلمه اضافی است»

التَّمْرِينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

بینی ها/ نقش / پرید / رسیدیم / شبانه حرکت کرد/ دستبندها / حافظه / جریان

أنوف / دَوْرَ / قَفَزَ / بَلَّغْنَا / أُسْرِيَ / أَسَاوَرَ / الذَّاكِرَةَ / تَيَّارٌ

۱- اِسْتَرَى أَبِي لِأَخْتِي الصَّغِيرَةِ **أَسَاوَرَ** مِنْ ذَهَبٍ.

پریدم برای خواهر کوچکم دستبندهایی از طلا خرید

۲- كَانَ كُلُّ طَالِبٍ يَلْعَبُ **دَوْرَ** هُ بِمَهَارَةٍ بِاللَّعَةِ.

هر دانش آموزی نقشش را با مهارت کاملی بازی می کرد

۳- قَالَ الطُّلَّابُ: **بَلَّغْنَا** السَّنَةَ السَّادِسَةَ عَشْرَةَ مِنَ الْعُمُرِ.

دانش آموزان گفتند: به شانزده سالگی از عمر رسیدیم

۴- عَصَفَتْ رِيَا حُ شَدِيدَةً وَ حَدَّثَتْ **تَيَّارٌ** فِي مَاءِ الْمُحِيطِ.

باد های شدیدی وزید و جریانی در آب اقیانوس رخ داد

۵- أَنْصَحُكَ بِقِرَاءَةِ كِتَابِ حَوْلِ طُرُقِ تَقْوِيَةِ **الذَّاكِرَةَ** ..؛ لِأَنَّكَ كَثِيرُ النَّسِيَانِ.

تو را به خواندن کتابی درباره راه های تقویت حافظه نصیحت می کنم؛ زیرا تو بسیار فراموش کار هستی

۶- لَدَيْنَا زَمِيلٌ ذَكِيٌّ جَدًّا **قَفَزَ** مِنْ الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الثَّلَاثِ.

همکلاسی خیلی باهوشی داریم که از کلاس اول به کلاس سوم پرید

تمرین سوم: دو آیه و حدیث های زیر را ترجمه کن، سپس زیر جار و مجرور خط بکش
التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِينِ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِ وَ الْمَجْرُورِ.

۱- ﴿وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ التَّمَل: ۱۹

...و. مرا. به. واسطه. ی. رحمتت. در. (زمره. ی). بندگان. نیکوکاران. داخل. کن.

۲- ﴿وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آل عمران: ۱۴۷

...ما را. بر. گروه. کافران. پیروز. گردان.

۳- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

...ادب. انسان. بهتر. از. طلایش. است.

۴- عَلَيْكَ بِذِكْرِ اللَّهِ فَإِنَّهُ نُورُ الْقَلْبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

... یاد. خدا. بر. تو. واجب. است. زیرا. آن. نور. دل. است.

۵- جَمَالُ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَ تَمَرُّهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

...زیبایی. علم. انتشار. دادن. آن. و. میوه. اش. عمل. به. آن. است.

۱- عِبَادَةُ الصَّالِحِينَ: بندگان شایسته ات

تمرین چهارم: کلمات مترادف و متضاد را معین کن

الْتَّمْرِینُ الرَّابِعُ : عَیِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ. = ≠

بَعَثَ	صِغَار	شَاطِئُ	أَرْسَلَ	بَكَى	كِبَار	أَقَلَّ	صَوء	بَعُدَ	سَاحِل
صَحِكَ	ظَلَام	أَكْثَرَ	بَغْتَةً	قَرَبَ	دَفَعَ	فَجَاءَ	كَنَمَ	اسْتَلَمَ	سَتَرَ

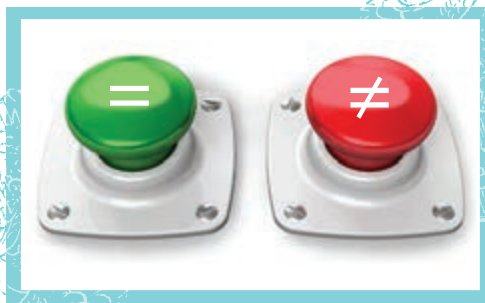
فرستاد بَعَثَ = أَرْسَلَ بَغْتَةً = فَجَاءَ ناگهان

ساحل شَاطِئُ = سَاحِل كَنَمَ = سَتَرَ پوشاند

کودکان بزرگان صِغَار ≠ كِبَار صَوء ≠ ظَلَام نور/ تاریکی

گریه کرد/ خندید بَكَى ≠ صَحِكَ بَعُدَ ≠ قَرَبَ دور شد/ نزدیک شد

کمتر/ بیشتر أَقَلَّ ≠ أَكْثَرَ دَفَعَ ≠ اسْتَلَمَ پرداخت کرد/ دریافت کرد



التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرِجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ الْمُتَقَاعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

يَبْلُغُنْ / صِغَارُ / ذَاكِرَةٌ / عَفَا / بَكَى / مُنْقَذٌ / مَرَقٌ / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / عَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طُبُورٌ / حَادَّةٌ /

دَوْرٌ / لَبُوءَةٌ / كَذَبَكَ / جِمَارِكُ / زُبُوتٌ / سَمَّيْنَا / ظَاهِرَةٌ / أَمَطَ / حَمِيمٌ / ثُلُوجٌ / سِوَارٌ / رَائِحٌ

3 17 8 22 5 18 10 23 20 15 1 21
9 12 14 13 19 4 11 6 2 16 7

↓ رمز

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کوچکها	(۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	این طور	(۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تیز	(۳)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پدیده	(۴)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سوت زدند	(۵)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	روغن‌ها	(۶)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نقش	(۷)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	شنوایی	(۸)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	جالب	(۹)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نجات دهنده	(۱۰)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نامیدیم	(۱۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دستبند	(۱۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گرم و صمیمی	(۱۳)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	برف‌ها	(۱۴)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	حافظه	(۱۵)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پستاندار	(۱۶)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پرندگان	(۱۷)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	رسانید	(۱۸)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	باران بارید	(۱۹)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بخشید	(۲۰)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	می‌رسند	(۲۱)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	ترانه خواندید	(۲۲)
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گریه کرد	(۲۳)

قال أمير المؤمنين عليّ عليه السلام:

«... الدَّهْرُ يَوْمَانِ يَوْمَانِ يَوْمٌ لَكَ وَ يَوْمٌ عَلَيْكَ ...»



تمرین ششم: آیه و احادیث را ترجمه کن سپس نقش کلمات رنگی را مشخص کن
الْتَّمْرَيْنِ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

فاعل

۱- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ التَّبَأُ: ٤٠

و کافر می گوید ای کاش من خاک بودم.

مبتدا

خبر

۲- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

..همنشینی با دانشمندان عبادت است.

مبتدا

خبر

۳- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

..خوبی سؤال نصف علم است.

مبتدا

۴- الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلَا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

..دانشمند بی عمل مثل درخت بی میوه است.

فاعل

فاعل

۵- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:

صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

..اگر انسان بمیرد عملش جز از سه چیز قطع می شود:

صدقه ی جاری، یا علمی که از آن سود برده می شود، یا فرزند نیکی که برایش دعا می کند

۱- تُرَابٌ: خاک

در آیه ی شریفه ترجمه ی آنچه زیرش خط کشیده شده است را معین کن

عَيْنُ فِي الْآيَةِ الشَّرِيفَةِ تَرْجَمَةً مَا تَحْتَهُ خَطًّا.

۱- ﴿رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْجِئِنِي بِالصَّالِحِينَ...﴾

پروردگارا، به من دانش ببخش و مرا به درستکاران پیوند ده؛

۲- ﴿وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ حَنَّةَ التَّعِيمِ...﴾

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده؛

۳- ﴿وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ﴾

و روزی که [مردم] برانگیخته می شوند، رسوایم مکن؛

۴- ﴿يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ﴾ الشُّعْرَاءُ: ۸۸، ۸۷، ۸۵، ۸۳

روزی که نه دارایی و نه فرزندان سود نمی رسانند؛

۵- ﴿فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ﴾ الْمَائِدَةُ: ۴۸

در کارهای خیر از هم پیشی بگیرید.

۶- ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ بَلْ أحياءٌ وَلَكِنْ لَا

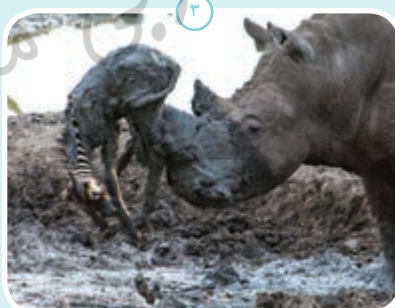
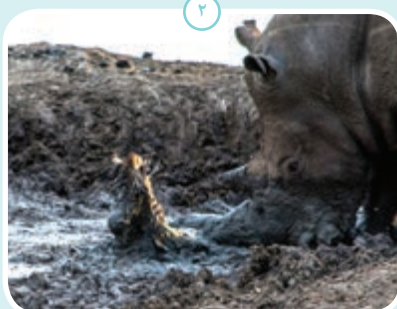
تَشْعُرُونَ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۵۴

و به کسانی که در راه خدا کشته می شوند، مرده نگوئید،

بلکه زنده اند ولی شما نمی دانید.

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اِبْحَثْ عَن قِصَّةِ حَقِيقَةِ قَصِيْرَةِ حَوْلِ حَيَّوَانٍ،
وَ اَكْتُبْهَا فِي صَحِيْفَةِ جِدَارِيَّةٍ،
ثُمَّ تَرْجِمْهَا اِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِيْنًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.



ک